

## به سوی رویکردی اسلامی از توازن زیست محیطی\*

نویسنده: محمدرضا اختر\*\*

ترجمه: دکتر عباس عرب‌مازار - حسن دادگر\*\*\*

### چکیده

این مقاله، دیدگاه اسلام را درباره محیط زیست بررسی، و مفهوم توازن زیست محیطی را در اقتصاد اسلامی ارائه می‌کند. مقاله ادعا دارد که این توازن، با کمک نهادها و موازین اخلاقی اسلام می‌تواند با دوام و پایدار باشد و نقش بخش خصوصی را در قالب رفتار دوستانه با محیط زیست، حس نوع دوستی و ساده‌زیستن افراد نشان می‌دهد. همچنین نقش دولت اسلامی را در زمینه‌های قانونگذاری، کنترل و توسعه منابع برای حفاظت از محیط زیست بررسی می‌کند و مدعی است که رویکردش چارچوب تحلیلی مناسبی را برای فهم مشکل زیست محیطی ارائه می‌دهد.

### ۱. مقدمه

نگرانی‌های فزاینده‌ای درباره مشکل زیست محیطی در سراسر جهان وجود دارد. در غرب، زمینه علمی جدیدی با نام «اقتصاد محیط زیست» به منظور مطالعه ابعاد گوناگون این مشکل پدید آمده است. در سایه این زمینه جدید، برنامه‌های سیاستی گوناگونی، هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه اعمال شده است. به رغم این کوشش‌ها، مشکلات زیست محیطی تشدید شده‌اند.

اقتصاد محیط زیست، به طور عمده به سبب بینش محدودش، نتوانسته است ماهیت مشکل

\*. "towards An Islamic Approach for Environmental Balance"; Islamic Economic Studies, Vol 3, No 2; June 1996.

\*\* استاد اقتصاد مؤسسه بین‌المللی اقتصاد اسلامی، دانشگاه بین‌المللی اسلامی، اسلام‌آباد.

\*\*\* به ترتیب استاد اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی - کارشناس ارشد اقتصاد.

را شناسایی کند؛ بنابراین، سفارش‌های سیاستی آن به‌طور کامل مؤثر نبوده است. با وجود این، اقتصاد اسلامی با بینش گسترده و الهی خود می‌تواند مشکل را به‌درستی تشخیص داده، راه‌حل مؤثری ارائه کند. در این جهت، مقاله قصد دارد مشارکتی برای اقتصاد اسلامی در موضوعات طبیعت و حلّ مشکل زیست محیطی داشته باشد و برای دستیابی به این هدف، چارچوبی اسلامی را به منظور بررسی نظام‌مند این موضوعات ارائه می‌کند.

ماهیت این مقاله، نظری است؛ به طوری که مباحث خود را بر اساس قرآن، سنت، فقه و تاریخ اسلام بنا نهاده، از منطق نظریه اقتصاد، به منظور توضیح نظریاتش بهره می‌گیرد.

فرضیه اصلی، آن است که در جهان، توازن زیست محیطی وجود دارد. زیستن به شیوه اسلامی و در سایه دولت اسلامی، سهم مهمی در تداوم این توازن بر عهده دارد؛ بنابراین، مقاله مدعی است احتمال کم‌تری دارد اقتصاد اسلامی که به این دو وسیله تجهیز شده، در مقایسه با اقتصاد صرفاً مادی، با مشکلات زیست محیطی روبرو شود.

## ۲. مروری بر ادبیات موضوع

### ۲-۱. دیدگاه اسلامی

اقتصاددانان مسلمان تاکنون سهم کمی در موضوعات زیست محیطی داشته‌اند. بیش‌تر آن‌ها فقط از جنبه اخلاقی موضوع به صورت کلی بحث کرده‌اند. در حقیقت، مطالعات اندکی وجود دارد که رویکردی نظام‌مند به این مشکل داشته باشد. حتی آن تعداد کم نیز روش‌ها و ابزارهای علمی لازم به منظور تضمین امنیت زیست محیطی را ارائه نکرده‌اند.

خالد فاروق اکبر<sup>۱</sup> اشاره می‌کند که پیشرفت فنی، عامل برهم زدن توازن و تعادل در طبیعت است. او می‌گوید: «بحران زیست محیطی موجود، نمود خارجی بحران فکری و روحی است»، و بر اهمیت تغییر عقاید و سنن تأکید دارد؛ به طوری که بشر به‌طور مسؤولانه با دیگر مخلوقات خداوند زندگی می‌کند. در این زمینه، او دیدگاهی اسلامی را ارائه، سپس آن را با دیدگاه غربی مقایسه می‌کند. او در ضمن تشریح ریشه‌های اخلاق زیست محیطی اسلام، به اصول وحدانیت، امانتداری و مسؤولیت‌پذیری اشاره دارد.

چپرا،<sup>۲</sup> مبانی اخلاقی حفاظت محیط زیست را در قاعده «لاضرر» می‌جوید. مطابق این اصل، مسلمانان از صدمه رساندن به دیگران منع شده‌اند. او ادعا می‌کند که تنزل کیفیت محیط زیست، هم به نسل حاضر و هم به نسل‌های آینده صدمه می‌رساند؛ بنابراین، وظیفه فرد و جامعه است تا محیط زیست را حفظ کند.

نصر،<sup>۳</sup> دیدگاه مشابهی دارد. او می‌گوید: در اسلام، انسان و نظام‌هستی، در وضعیت متحد هماهنگ و مکتلی قرار دارند و خاطر نشان می‌کند که کاشتن درختان، رفتار ملایم با حیوانات، و پرهیز از ایجاد آلودگی در آب، همگی اعمال نیکی چون سیرکردن فقیر و مراقبت از بیمار هستند. افزون بر این، او بر اهمیت معنوی طبیعت تأکید دارد و برای حلّ مشکل زیست محیطی، به‌طور خاص، گسترش آگاهی عمومی را دربارهٔ آموزه‌های دین که به رفتار اخلاقی با محیط زیست مربوط می‌شود، پیشنهاد می‌کند. نصر هیچ نقشی را به دولت اسلامی به منظور ارتقای محیط زیست، محوّل نکرده است.

حسینی،<sup>۴</sup> بینش باارزشی را به منظور درک مشکل ارائه می‌کند. او اعتقاد دارد که اسلام، دین فطری هر فرد در جهان است. مسلمان، با تسلیم خود به خواست خداوند رشد می‌کند. نظام هستی به‌صورت محیط ضرور آفریده شده تا او بتواند در این محیط، مأموریت خود را انجام دهد. بشر در جایگاه خلیفهٔ خداوند در زمین، باید حق همهٔ آفریدگان را از منابع زیست محیطی به رسمیت بشناسد. او مدّعی است که به دو دلیل باید از گسیختگی زیست محیطی، از هر نوعی، پرهیز کرد: نخست آن‌که این مسأله، دستور اخلاقی دین است و دوم آن‌که برای حفظ منافع عمومی و کالای عمومی مشترک برای نوع بشر و دیگر آفریدگان خداوند، این مسأله ضرورت دارد. لیولین،<sup>۵</sup> روش‌شناسی حقوقی اسلامی را دربارهٔ استفاده از زمین، آب، نباتات و حیوانات ارائه می‌کند. او می‌گوید: هدف غایی اسلام، ایجاد رفاه برای تمام آفریدگان است؛ زیرا هر عنصر این آفرینش، نقش تعیین‌شده‌اش را به‌وسیلهٔ مشارکت در هدف و تدبیر نظام هستی، به انجام می‌رساند. او مدّعی است که تمام موجودات، در هدف متحد هستند و به تمام عالم نفع می‌رسانند و دربارهٔ برخی از اصول استخراج شده از قرآن، سنت و فقه اسلامی، به‌منظور محیط زیست بحث می‌کند. لیولین معتقد است که قواعد مناسب را می‌توان تحت قاعدهٔ «لاضرر» برای جلوگیری از تنزل کیفیت محیط زیست طراحی کرد. او مسؤولیت مدیریت مالکیت عمومی منابع کمیاب را به دولت وامی‌گذارد.

پس از بازنگری و مرور دیدگاه اسلام، بجا است تا به اجمال، به ارائهٔ دیدگاه مادّیون، به ویژه مباحث اصلی مربوط به ماهیت مشکل زیست محیطی پرداخته شود. یادآوری این نکته حائز اهمیت است که در این جا به جنبه کمی مشکل دربارهٔ اندازه، بزرگی و مقدار اثر، پرداخته نخواهد شد.<sup>۶</sup>

## ۲-۲. دیدگاه مادّی

دیدگاه مادّی، اشکال گوناگونی از مخاطرات زیست محیطی را به‌صورت نتایج فرایند رشد در

نظر می‌گیرد. افزایش تعداد کارخانه‌ها، دود و آلاینده‌ها را در مقیاس گسترده منتشر می‌کند. به‌طور مشابه، سوزاندن نفت، گاز و زغال‌سنگ در نیروگاه‌ها و در میلیون‌ها وسیله متحرک، باعث انتشار میلیاردها تن گاز سمی، شامل مونواکسیدکربن و ترکیبات متفاوتی از نیتروژن و گوگرد می‌شود. زباله‌های صنعتی، شامل اسیدها و فلزاتی است که آب‌ها را آلوده، افراد را بیمار و موجودات آبی را تهدید می‌کنند. حجم گسترده قطع درختان جنگل‌ها در سراسر جهان، آلودگی هوا را وخیم‌تر می‌کند.

بررسی دقیق‌تر مطالب پیشین روشن می‌سازد که آن‌ها توضیحی ناقص و ناتمام از مشکلاتند. توضیحی مناسب‌تر را می‌توان با تمرکز بر شیوه زندگی مادی، انحرافات بازار و نقش سیاسی گروه‌های ذی نفوذ به دست آورد.

فرهنگ غربی و مادی، «مصرف‌گرایی» را به صورت روش زندگی ترویج می‌دهد. در بین مجموعه نهادهای شکل‌دهنده این فرهنگ، بانک‌ها (با تدابیر و ترفندهای جذاب کارتها و خطوط اعتباری)، سینماها، تلویزیون‌ها و مؤسسات تبلیغاتی در این زمینه اهمیت بیشتری دارند. هر فرد متأثر از این فرهنگ می‌خواهد بیش‌تر و بیش‌تر مصرف کند؛ حتی اگر این کار او بر اساس درآمد بلندمدت وی قابل توجه نباشد. این سبک زندگی، پیامدهای ناسازگاری را برای محیط زیست، به دو طریق در بردارد: نخست آن‌که تقاضای بیش‌تری را برای منابع طبیعی ایجاد می‌کند که محیط، به روشی پایدار به تأمین آن توانا نیست و دوم آن‌که باعث تولید آلودگی در حدی بسیار فراتر از ظرفیت بازیافت محیط می‌شود.

عامل دیگر، انحرافات بازار است.<sup>۷</sup> همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، سهم بزرگی از آلودگی به وسیله کارخانه‌ها پدید می‌آید. در نظام بازار موجود، تولیدکنندگان با توجه به سود فردی، به سمت اغماض از هزینه‌های اجتماعی آلودگی که به وسیله کارخانه‌های آن‌ها تولید می‌شود، هدایت می‌شوند؛ در نتیجه، آلودگی بیش‌تری ایجاد خواهد شد.

عامل سوم به نقش منفی گروه‌های ذی نفوذ مربوط می‌شود. آن‌ها قانونگذاران را بر ضد تصویب قوانین حفاظت از محیط زیست تحت فشار قرار می‌دهند و استدلال معمولشان این است که اجرای قوانین زیست محیطی، هزینه‌ها را افزایش و تقاضا را کاهش می‌دهد.<sup>۸</sup> روشن نیست که مطلب چنین باشد. این محتمل‌تر است که تقاضا برای تولیدات سالم از نظر زیست محیطی، در هر قیمتی افزایش خواهد یافت که از سلیقه و تمایل مصرف‌کنندگان به چنین تولیداتی ناشی می‌شود.

### ۳. دورنمای اسلام از محیط زیست

این بخش، به توسعه دورنمایی اسلامی به منظور بررسی ماهیت مشکل زیست محیطی می‌پردازد. در این زمینه، ابتدا محیط زیست تعریف، سپس اهمیت آن برای موجودات بشری و غیربشری بیان می‌شود.

محیط زیست به مجموعه‌ای از عوامل فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی که بر انسان و غیرانسان تأثیر می‌گذارند، اطلاق می‌شود. در چارچوب محیط زیست، گروهی از اکوسیستم‌ها در حال فعالیت هستند که در آن‌ها دسته‌های خاصی از انواع زیستی با بخش‌هایی از محیط زیست در ارتباط متقابل هستند.<sup>۹</sup> اکوسیستم طبیعی، نظام به شدت متنوع و متوازن است و از موجودات بسیاری تشکیل شده که هر کدام از آن‌ها تقریباً به یک اندازه اهمیت دارند. بدون اجزای محیط زیست، موجودات زنده نمی‌توانند پایدار باشند و سرانجام نابود خواهند شد. اولی (اجزای محیط زیست) برای دومی (موجودات زنده) لازم و اجتناب‌ناپذیر است و بین این دو، ارتباطی قطعی وجود دارد.

دورنمای اسلامی درباره محیط زیست بر این اعتقاد استوار است که خداوند، خالق و نگه‌دارنده جهان به‌شمار می‌رود. تمام جهان به همراه تمام عواملش با حکمت کامل آفریده شده است. تعداد، کمیت و کیفیت این عوامل در تدبیر الهی به‌طور دقیق مقدر شده‌اند. هر عاملی نقش مقدر شده‌اش را ایفا می‌کند. هر چیزی که به‌وسیله خداوند آفریده شده، هدف خاصی دارد که باید آن را به انجام رساند. افزون بر این، در این دنیا هیچ چیز، دائم نیست. هر چیزی برای دوره‌ای معین وجود دارد. قرآن کریم این نکته را روشن کرده است:

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا  
عَمَّا أُنذِرُوا مُّغْرَضُونَ.<sup>۱۰</sup>

ما آسمان‌ها و زمین و هر چه را در آن‌ها است، جز به حق و جز در وقت معین (و برای سرآمدی معین) نیافریده‌ایم و آنان که کافرنند، از هر چه پند و اندرزشان دهند، روی می‌گردانند.

خداوند برای امرار معاش آفریدگان، مقدار معینی از منابع زیست محیطی را قرار داده که با تقاضای کل منابع در جهان برابری می‌کند. این مطلب از وجود توازن زیست محیطی در اکوسیستم طبیعی حکایت دارد؛ بنابراین، اسلام به محیط زیست از دیدگاه توازن می‌نگرد. اسلام، توازن زیست محیطی را به منزله بخشی از توازن کلی جهان تصور می‌کند. قرآن، مفهوم

توازن زیست محیطی را در عبارت‌های گوناگونی نظیر «عدل»، «قدر» و «موزون» وصف می‌کند. واژه «عدل» از نظر لغوی به معنای حق، درست و منصفانه عمل کردن است. هنگام وصف معنای «عدل»، یک مفسر قرآن بیان می‌دارد که جهان در شکل متوازن آفریده شده است.<sup>۱۱</sup> بیش‌تر مفسران قدیم نیز واژه «میزان» را به معنای «عدل» تفسیر کرده‌اند.<sup>۱۲</sup> افزون بر این، کلمات دیگری نظیر «حق» و «قسط» نیز به همان معنا تفسیر شده‌اند؛ بنابراین، تمام این کلمات، مفهوم توازن زیست محیطی را تأیید می‌کنند.

واژه قرآنی «قَدْر» معنای مستقیم‌تری از توازن زیست محیطی را ارائه می‌کند. معنای لغوی «قَدْر»، مقدار معین شده کَمِّت یا کیفیت است. این عبارت، بر مفهوم توازن در آیه ذیل تأکید می‌کند:

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ. ۱۳

هر آن‌چه را که ما آفریده‌ایم، به اندازه و متناسب آفریدیم.

این آیه، بیانی کلی را درباره وجود تعادل در هر چیز ارائه می‌دهد. فرایند آفرینش و رشد هر چیزی، از اصل توازن پیروی می‌کند که در آیه پیشگفته تحت عنوان «تناسب و اندازه» یاد شده است. محققان اسلامی، کاربرد این اصل را در بسیاری از موجودات یادآور شده‌اند. آن‌ها مشاهده کرده‌اند که در موارد خاص، توازن به واسطه رابطه‌ای منفی بین نرخ تکثیر موجودات زنده و سن آن‌ها برقرار می‌شود. موجودات زنده‌ای که نرخ تکثیر مفرطی دارند، طول عمرشان کوتاه‌تر است.<sup>۱۴</sup>

همچنین مفهوم توازن زیست محیطی به وسیله واژه «موزون» تأیید شده که در ابتدای این آیه آمده است:

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَاللَّيْلَةَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ \*  
وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ. ۱۵

و زمین را بگسترده‌ایم و در آن، کوه‌های عظیم برنهادیم و از آن، هر چیز را مناسب و موافق حکمت و عنایت رویانیدیم و در زمین، هم لوازم معاش شما نوع بشر را فراهم آوردیم و هم برای سایر حیوانات که شما روزی آن‌ها را نمی‌دهید، قوت و غذا فراهم ساختیم.

طبق این آیات، انواع آذوقه و امکانات برای بقای موجودات بشری و غیربشری تدارک دیده شده؛ به طوری که میزان تقاضا شده از این امکانات، با عرضه آن‌ها برابر است. شکی نیست که در طرح و تدبیر الهی حاکم بر این امکانات، کمبود یا مازاد نسبی وجود دارد. طرح مزبور تضمین

می‌کند که تقاضای اضافی از چیزی از جانب یک مخلوق، به وسیله میزان عرضه اضافی از همان چیز به وسیله مخلوق دیگری برطرف می‌شود. بین مخلوقات خداوند، زنجیره نامتناهی از وابستگی متقابل وجود دارد. بنابر گفته یک محقق، در تدبیر جهانی خداوند، نظم و توازنی شایسته و مناسب وجود دارد.<sup>۱۶</sup>

بحث پیشین به این نتیجه منتهی می‌شود که در عالم، توازنی زیست محیطی وجود دارد. وجود این توازن بر دو قید تأکید دارد: نخست آن که موجودات بشری و غیربشری هیچ‌یک نمی‌توانند بیش‌تر از آن مقدار که اکوسیستم طبیعی قادر به تهیه منابع به صورت پایدار است، از آن‌ها تقاضا کنند. دیگر آن که آن‌ها نمی‌توانند محصولات زاید خود را در حجمی بزرگ‌تر از آنچه سیستم، توانایی بازیافت آن را بدون لطمه زدن به بهره‌وری سیستم دارد، در محیط تخلیه کنند. سرچشمه مشکل زیست محیطی، تخطی از این دو محدودیت است. به عبارت دیگر، استفاده بیش از اندازه از منابع زیست محیطی و دفع محصولات زاید، دو علت اصلی مستبب بروز مشکل هستند؛ بنابراین، رویکرد اسلامی به توازن زیست محیطی به روشنی از این علل آگاهی داشته، ترتیبات نهادی مناسب را برای حل مشکل پیشنهاد می‌کند.

#### ۴. رویکردی اسلامی به منظور دستیابی به توازن زیست محیطی

ما در این بخش، رویکردی اسلامی را در جهت دستیابی به توازن زیست محیطی در پرتو مباحث پیشین ارائه می‌کنیم. این رویکرد، جامعه اسلامی را که رفتار اقتصادی - اجتماعی و سیاسی آن، با توازن زیست محیطی سازگار است، مجسم می‌کند. این جامعه، توازن زیست محیطی را به کمک دو نهاد حفظ می‌کند: زیستن به شیوه اسلامی و دولت اسلامی. نهاد اول، نقش افراد را تعیین، و نهاد دوم، نقش دولت اسلامی را در بخش زیست تشریح می‌کند.

##### ۴-۱. زیستن به شیوه اسلامی و محیط زیست

رفتار اسلامی، تمام جوانب زندگی فردی را در بر می‌گیرد.<sup>۱۷</sup> این رفتار، شخصیت متوازنی را از طریق تأمین همزمان نیازهای مادی و معنوی افراد ایجاد می‌کند. هدف اصلی «انسان مسلمان»، کسب رضایت خدا است.<sup>۱۸</sup> شریعت اسلام، رهنمودها و مشوق‌هایی را به منظور زیستن در چنین زندگی ارائه می‌کند.

هدف «کسب رضایت خداوند»، به‌طور عمیق بر ساخت روانی و فکری افراد تأثیر می‌گذارد و سبب نیرومندی روحی آن‌ها می‌شود. با مجهز شدن به این توان، آن‌ها خواهند توانست بر

اهدافشان به وسیله مقاومت در برابر وسوسه‌های دنیایی نائل آیند. متعاقب این اهداف، در بین افراد عشق و علاقه ایجاد می‌شود؛ زیرا رفتار با هم‌نوعان خود، به‌طور نزدیکی با رفتار او با خداوند ارتباط دارد.

سه ویژگی زندگی اسلامی عبارتند از: آگاهی زیست محیطی، سادگی (بی‌آلایشی) و حس نوع دوستی که هر یک، وظیفه مهمی به‌منظور بقای توازن زیست محیطی بر عهده دارد. پیش از تشریح این نقش‌ها، ضرورت دارد از مبانی نظری زندگی اسلامی بحث کنیم. این زندگی بر سه اصل بنیادین استوار است: توحید، خلافت و آخرت. این اصول، زمینه و جوهره مفهوم زندگی اسلامی را ارائه می‌کنند.

### یک. توحید (وحدانیت)

توحید، پایه اعتقاد اسلامی است. و بر این امر دلالت دارد که تمام هستی به وسیله خداوند تعالی آفریده، کنترل شده و دوام یافته است. این اصل، رابطه انسان - خدا، انسان - انسان و انسان - جهان را تبیین می‌کند و بینش وحدت و یکتاپرستی مسلمانان را پدید می‌آورد. فرد مسلمان به کمک این بینش می‌تواند به انسان و اکوسیستم به‌صورت اجزای هماهنگ هستی تنظیم شده به وسیله قانون الهی بنگرد. حفظ محیط زیست وظیفه‌ای دینی شمرده می‌شود. این اصل، محرک‌های اخلاقی و دینی را برای حفاظت و امنیت زیست محیطی ایجاد می‌کند.

### دو. خلافت (جانشینی)

بشر، خلیفه خداوند بر روی زمین است.<sup>۱۹</sup> خداوند او را به‌منظور تسلیم در برابر خواست خداوندی در تمام زمینه‌های زندگی آفریده است. خداوند منابع مادی و معنوی را به انسان عطا کرده است تا وظایف خود را در زمین انجام دهد. شریعت اسلام به وی سفارش کرده است که از این منابع به‌طور کارا و منصفانه استفاده کند و کیفیت زندگی خود را بهبود بخشد. خلافت، الزامات بسیاری را پدید می‌آورد؛ دو مورد از آن‌ها، اخوت همگانی و امانتداری منابع است که اهمیت ویژه‌ای دارد.

اخوت همگانی: لاف، چارچوبی برای تساوی اجتماعی و اخوت همگانی ارائه می‌کند. این چارچوب، ساختار اجتماعی با انعطافی را پدید می‌آورد که فرد را برای رشد بر اساس کارایی و صفات پسندیده تشویق می‌کند. همچنین، تساوی اجتماعی بین انسان‌ها را صرف‌نظر از رنگ، نژاد و موقعیت جغرافیایی آن‌ها مطرح می‌سازد. این مشخصه‌ها، مشارکت و همکاری سودمندی در بهره‌برداری متقابل از منابع را ترویج می‌کند.<sup>۲۰</sup> نظریه «منافع فردی» که بر حداکثر کردن



مطلوبیت یا سود شخصی تأکید دارد، در این چارچوب قرار نمی‌گیرد.

امانتداری منابع: خداوند، مالک حقیقی تمام منابع است، و افراد ملزم هستند تا از منابع در اختیار خود، درست استفاده کنند. پس از پذیرش این دستور، بر انسان فرض است که همانند امانتدار عمل کند و از منابع، مطابق با مقررات مالک بهره ببرد.<sup>۲۱</sup> انسان حق ندارد منابع را به هر شکلی نابود کند.

### سه. آخرت (معاد)

آخرت یکی از اعتقادات اصولی اسلام است. این اصل، آموزه اسلام درباره مسؤلیت پذیری را خاطر نشان می‌کند که جامع‌تر از مفهوم نظیر خود یعنی مسؤلیت پذیری مادی است. مسلمان باید ایمان داشته باشد که ذره‌ای از نیکی و ذره‌ای از بدی در آخرت وزن و سنجیده خواهد شد.<sup>۲۲</sup> این اعتقاد، بینش فرد را گسترده می‌کند. او پیش از اتخاذ هر تصمیمی، اثر احتمالی انتخاب‌های دنیایی خود را بر زندگی‌اش در آخرت می‌سنجد. در عمل، این اعتقاد به مثابه سیستم کنترل کننده‌ای درون فکر و قلب مسلمان عمل می‌کند و در نتیجه، به او در انجام اعمال نیک و پرهیز از اعمال زشت و بد یاری می‌رساند.

زیستن به شیوه اسلامی، پیامدهای مثبت مطلوبی برای محیط زیست دارد. آن چه در ادامه می‌آید، این پیامدها را در سه جنبه از این زندگی بررسی می‌کند:

۱. آگاهی زیست محیطی: زندگی اسلامی درباره محیط زیست حساس است. این زندگی بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها استوار است که آگاهی زیست محیطی مسلمانان را افزون‌تر می‌کند؛ بنابراین، رفتاری دوستانه با محیط زیست را شکل می‌دهد که برای ابقای توازن زیست محیطی به‌طور کامل مفید است.

آموزه‌های اسلامی، اهمیت بسیاری به پاکیزگی می‌دهند. پاکیزگی، نیمی از ایمان معرفی شده است؛<sup>۲۳</sup> از این رو، مسلمانان، پاکیزگی را به‌صورت جزئی از وظیفه مذهبی خود مراعات می‌کنند. پاکیزگی، وضعیت بهداشتی لازم را درون و پیرامون واحد مسکونی پدید می‌آورد. وضعیت بهداشتی، جدا از حفاظت مردم از امراض گوناگون، سلامت جسمی و بهره‌وری آن‌ها را نیز افزایش می‌دهد. این امر دستیابی به رشد اقتصادی را نیز ارتقا می‌بخشد.

عوامل اصلی محیط زیست نظیر آب، هوا، احشام، گیاهان، مراتع و جنگل‌ها، در نظام ارزشی اسلام اهمیت خاصی دارند. قرآن و سنت بر حفظ کمی و کیفی این عوامل تأکید می‌کنند؛ برای مثال، آب منبع اصلی زندگی در نظر گرفته شده است.<sup>۲۴</sup> سنت پیامبر ﷺ به‌طور خاص بر

حفاظت و پاکسازی (تصفیه) آب تأکید دارد. حضرت به مسلمانان سفارش کرده است که از آب، حتی در کنار رودی خروشان، کم‌تر مصرف کنند.<sup>۲۵</sup> وی همچنین مسلمانان را از ادرار کردن در آب و در لانه حیوانات، نهی فرموده است.<sup>۲۶</sup> این ممنوعیت‌ها، نشانه توجه اسلام به آلودگی منابع حیاتی و تنزل کیفیت زیست محیطی است. به طور مشابه، هوا نیز به صورت عنصر کلیدی زندگی بشر، وظایف بسیار مفیدی را انجام می‌دهد؛ از جمله، پاکسازی (پالایش) و باروری گیاهان. هوا، نعمت باران را فرو می‌ریزد و بدین وسیله خاک را بارور می‌کند. احشام نیز وظایف مفید بسیاری را برای موجودات بشری انجام می‌دهند.<sup>۲۷</sup> افزون بر این، آموزه‌های اسلامی بر پرورش گیاهان، کاشت درختان و گسترش باغ‌ها سفارش دارند. پیامبر ﷺ به منظور تشویق افراد به انجام چنین کارهایی فرموده است:

هر مسلمانی که درختی بکارد؛ مزرعه‌ای آباد کند تا انسان، پرنده یا حیوانی از آن تغذیه کند، این کارش برای او خیرات به‌شمار می‌رود.<sup>۲۸</sup>

یاران پیامبر ﷺ که به این ارزش‌ها معتقد بودند، با محیط زیست روابطی دوستانه داشتند؛ به همین سبب خلیفه اول، ابوبکر، به فرمانده سپاهش، مراعات دقیق ارزش‌های زیست محیطی را حتی در قلمرو دشمن گوشزد کرد. او نوشت:

درختی را قطع نکنید. به رودخانه‌ای آسیب نرسانید. به حیوانات و محصولات صدمه نزنید و همیشه با آفریدگان خداوند مهربان باشید؛ هر چند از دشمنان شما باشند.<sup>۲۹</sup>

این آموزه‌ها، میزان اهمیت داده شده به محیط زیست را به وسیله مسلمانان و حکومت اسلامی صدر اسلام منعکس می‌کند.

از بحث پیشین نتیجه می‌شود که آموزه‌های اسلامی، حساسیت زیست محیطی جامعه اسلامی را افزایش می‌دهد، و درختان و محصولات بیش‌تری برای بهره‌برداری موجودات بشری و غیر بشری پرورش می‌یابند. افزون بر این، تمایل همگانی به منظور پرهیز از ایجاد اشکال گوناگون آلودگی و مخاطرات زیست محیطی وجود دارد. این کوشش‌ها به طور مؤثری، هم بر طرف تقاضا و هم بر طرف عرضه توازن زیست محیطی اثر می‌گذارد.

ب. سادگی: ساده‌زیستن، ویژگی مهم زندگی به شیوه اسلامی است که پیامدهای گسترده‌ای برای توازن زیست محیطی به همراه دارد. ساده‌زیستن جایگاه مهمی را در الگوی اسلامی زندگی اجتماعی به خود اختصاص می‌دهد. قرآن، سنت و خلافت به‌طور قوی از داشتن زندگی ساده حمایت، و بر آن تأکید می‌کنند. قرآن کریم دستیابی به چنین زندگی را با تحریم اسراف و تبذیر

سفارش کرده است:

وَلَا تُسْرِفُوا، إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.<sup>۳۰</sup>

اسراف نکنید که خداوند، مسرفان را دوست ندارد.

پیامبر ﷺ زندگی فوق‌العاده ساده‌ای داشت. عمر، خلیفه دوم، به چند مورد از ساده‌زیستی حضرت که خود مشاهده کرده بود، اشاره می‌کند. او بالش چرمی پر شده از برگ درخت خرما را زیر سر پیامبر و زیراندازی از برگ درختان را زیر پای حضرت دیده بود، و کیسه‌ای چرمی نیز که نزدیک بالش پیامبر آویزان بود. وی، علایم زیرانداز حصیری را بر پشت پیامبر مشاهده، و با دیدن این وضع، شروع به گریستن کرد.<sup>۳۱</sup>

چهار خلیفه پس از پیامبر ﷺ نیز زندگی بسیار ساده‌ای داشتند. ابوبکر، خلیفه اول، فقط دو تن پوش برای استفاده شخصی خود داشت و غذایی ساده می‌خورد. عمر، خلیفه دوم نیز زندگی بی‌پیرایه‌ای داشت. او به فرمانداران خود دستور داده بود که بر اسب نژاد عرب سوار نشوند؛ آرد مرغوب مصرف نکنند؛ لباس فاخر نپوشند و در محل اقامت خود نگهبان نگمارند. عثمان، خلیفه سوم، به رغم این که یکی از ثروتمندان مدینه بود، زندگی ساده‌ای داشت. همچنین زندگی شخصی و خانوادگی علی علیه السلام نیز بسیار ساده بود<sup>۳۲</sup>. (تأکید بر زندگی ساده‌داشتن، ممکن است این تصور نادرست را ایجاد کند که اسلام به فعالیت‌های اقتصادی اهمیت اندکی می‌دهد؛ در حالی که این طور نیست. برعکس، اسلام با فعالیت‌های اقتصادی موافق است و برای کسانی که در واحدهای اقتصادی شاغل هستند، ارزش والایی قائل می‌شود. اسلام، مسلمان را به کسب سهم خود از مواهب خداوندی، از طریق کوشش مؤثر، ترغیب می‌کند. مسلمان به تحصیل معاش خانواده خود ملزم است. پیامبر ﷺ فرموده است که تحصیل معاش حلال، وظیفه الزامی هر فردی است که توانایی جسمانی داشته باشد).<sup>۳۳</sup>

حقیقت امر این است که نظام اخلاقی اسلام، هر مسلمانی را به کار و کوشش جدی تشویق می‌کند. در عین حال، وی را از ولخرجی درآمدهایش به هر شکلی که باشد، به‌ویژه در خرید کالاهای تجملی باز می‌دارد. در جامعه مادّیگرا، کالاهای تجملی نشانه شخصیت در نظر گرفته می‌شود. مردمی که این کالاها را می‌خرند، رفتاری غیر عادی از خود نشان می‌دهند. ملاحظه شده است که منحنی تقاضا برای این کالاها دارای شیب مثبت است.<sup>۳۴</sup> اقتصاد اسلامی با چنین حالت غیر متعارفی رویارو نخواهد شد؛ زیرا تقاضا برای کالاهای تجملی به علت قیود اخلاقی و قانونی، تا حدّ اقل ممکن کاهش می‌یابد. همچنین تأکید بر داشتن زندگی ساده، این پرسش را

برمی‌انگیزد که چرا فرد باید بیش‌تر کار کند؛ در حالی که به خرج کردن نیاز ندارد؛ اما این پرسش، مشکلی را ایجاد نمی‌کند. مسلمان با داشتن زندگی ساده، مقداری از درآمدش را برای مخارج دیگران، به‌منظور کسب رضایت خداوند، صرف می‌کند. افزون بر این، او برای باقی‌گذاشتن ارث از خود، پس‌انداز می‌کند. پیامبر (ص) می‌فرماید:

بهتر است پس از مردن، بستگانی بی‌نیاز باقی‌گذارید تا به صدقه‌گرفتن از دیگران  
مجبور نباشند.<sup>۳۵</sup>

به‌طور کلی، رفتار مصرفی مصرف‌کننده نوعی، در اقتصاد اسلامی به‌وسیله ملاحظات ذیل هدایت می‌شود:

۱. مصرف کالاهای حرام نهی شده است؛
۲. مصرف کالاهای حلال با قیود ذیل مواجه است:  
یک. از اتلاف و اسراف باید پرهیز شود؛<sup>۳۶</sup>  
دو. توازن کلی در مصرف باید رعایت شود؛<sup>۳۷</sup>
- سه. نهادهای اسلامی مانند ارث، حج، زکات و صدقات، مسلمان را به انجام پس‌اندازهای مثبت وای می‌دارد؛ زیرا پاداش معنوی بسیاری به دنبال دارند؛<sup>۳۸</sup>
- چهار. سنت پیامبر و زندگانی چهار خلیفه که سرمشق مردم باید باشد، آن‌ها را به داشتن زندگی ساده ترغیب می‌کند.

راهبردهای پیشین به‌روشنی الگوی مصرف در اقتصاد اسلامی را تغییر می‌دهد که در نتیجه، مصرف‌کننده نوعی در این اقتصاد با سبد کالاهای مصرفی کوچک‌تری در مقایسه با مصرف‌کننده مادّی‌گرا، در محیط اقتصادی مشابه، روبه‌رو است؛<sup>۳۹</sup> بنابراین، اقتصاد اسلامی با مخارج مصرفی کم‌تری در مقایسه با اقتصاد مادّی همانندش در سطح درآمدی یک‌سان، مواجه است.

پیامدهای زیست محیطی ناشی از زندگی ساده به‌طور قابل توجهی سودمند است. این پیامدها از دو مجرا ایجاد می‌شود: مجرای اول، از طریق کاهش تقاضای نهادهای منابع طبیعی، و در نتیجه، کاهش مصرف کالاهای نهایی عمل می‌کند. در این صورت، میزان قابل توجهی ذخیره منابع طبیعی ایجاد می‌شود که به افزایش عرضه موجود این منابع می‌انجامد. دومین مجرا، مقدار مواد زاید را کنترل می‌کند که در نتیجه، کاهش مصرف رخ می‌دهد. مقدار کم‌تر مواد زاید، عرصه را بر انتشار باکتری‌ها تنگ، و این امر به بهبود سلامت کمک می‌کند و نیز باعث

صرفه‌جویی در مقدار قابل توجهی از مخارج ناشی از بازیافت و از بین بردن فضولات و زباله‌ها می‌شود؛ بنابراین، هر دو مجرا، پیامدهای مفیدی را برای توازن زیست محیطی پدید می‌آورند. ج. حس نوع دستی: حس نوع دوستی، ویژگی دیگری از زندگی اسلامی است که نقشی حیاتی را در ابقای توازن زیست محیطی دارد. نوع دوستی، جزء جدایی‌ناپذیر اخوت اسلامی است. برای درک ماهیت حس نوع دوستی ضرورت دارد ماهیت اخوت اسلامی درک شود.<sup>۴۰</sup> بسیاری از سنت‌ها و سفارشات پیامبر، ماهیت این اخوت را نشان می‌دهند. در این جا به سه مورد اشاره می‌شود:

مسلمان، برادر مسلمان دیگر است و نباید به دیگری ظلم و بی‌عدالتی کند یا وی را بدون کمک رها سازد.<sup>۴۱</sup>

به خداوند سوگند! فردی نمی‌تواند مسلمان حقیقی باشد، مگر آن‌که آن‌چه را برای خود دوست می‌دارد، برای دیگران نیز دوست داشته باشد.<sup>۴۲</sup>

مسلمانان برای تو از نظر عشق، محبت و ... به مثابه جسم واحد خواهند بود. هرگاه برخی از اعضای بدن، آسیب ببینند، تمام اعضا با آن عضو از طریق پذیرش تب و تحمل بی‌خوابی، همکاری و همدردی می‌کنند.<sup>۴۳</sup>

سفارش‌های پیشین، تمایل به استقرار اخوت اسلامی را ترغیب می‌کنند که اعضای آن (افراد مسلمان) در برقراری عشق، محبت و همکاری متقابل سهیم هستند. پیامبر ﷺ به‌طور عملی، نمونه‌ای از اخوت اسلامی را با ایجاد عقد اخوت در مدینه بنا نهاد. این اخوت، خانواده‌های مهاجر و انصار را به یک‌دیگر پیوند داد و آن‌ها را در برخورداری از ذخایر مشترک منابع سهیم دانست.<sup>۴۴</sup> همچنین قوانین اسلامی، پیوندهای اخوت را با ایجاد الزامات اجتماعی، بین مسلمانان تحکیم می‌بخشند؛ به‌طور مثال قوانین مرتبط با حقوق خانواده، اقوام، همسایگان، نیازمندان، و جامعه و دولت اسلامی، حقوق دیگران در درآمد و ثروت اشخاص را تعیین می‌کنند.<sup>۴۵</sup>

از بحث پیشین نتیجه می‌شود که اعضای جامعه اسلامی در برابر دیگران مسؤول هستند. هر عضوی احساس می‌کند که رفاه شخصی او، به رفاه دیگران وابسته است. تاریخ اسلام از چنین مثال‌هایی پر است که دو مورد از آن‌ها را باز می‌گوییم: در مدینه خشکسالی شد. عثمان مقدار فراوانی غله از مناطق دیگر خریده بود. بازرگانان محلی تصمیم گرفتند تا تمام موجودی غله او را با قیمت بسیار بالایی بخرند. عثمان نپذیرفت و در عوض، آن را به طور رایگان توزیع کرد، با عنوان کردن این که خداوند، چند برابر آن را به او عطا خواهد کرد.<sup>۴۶</sup> مثال دیگر این که به یکی از

اصحاب پیامبر ﷺ یک رأس بز رسیده بود. او گمان کرد که همسایه‌اش بیش‌تر از او بدان نیازمند است؛ بنابراین آن را برای آن‌ها فرستاد. دریافت‌کننده، تصور مشابهی دربارهٔ صحابی دیگر داشت و بدین منظور، آن بز را برای او فرستاد. به همین ترتیب، آن بز پس از طی هفت خانه، به شخص اول بازگشت.<sup>۴۷</sup>

این وقایع، میزان اهمیتی را که اعضای جامعهٔ اسلامی برای منافع اجتماعی قائل می‌شوند، نشان می‌دهد. آن‌ها همیشه به تعدیل رفتار فردی خود به نفع مصالح اجتماعی مایل هستند. این ایمان راسخ به ما اجازه می‌دهد ادعا کنیم که عاملان اقتصادی در اقتصاد اسلامی، تابع هدف مشترک را بهینه می‌کنند. برای عامل اقتصادی، انگیزهٔ قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که رفاه جامعه را به صورت عامل در تابع هدف خود منظور کند.<sup>۴۸</sup> چنین رفتاری به‌طور کامل در مقابله با آلودگی زیست محیطی مفید است.

پیامدهای خارجی تولید، یکی از علل اصلی مشکل آلودگی است. در جامعهٔ مادیگرا، هزینهٔ آلودگی که از اساس، هزینهٔ اجتماعی است، در محاسبهٔ سود بنگاه‌ها لحاظ نمی‌شود؛ از این رو آلودگی بیش‌تری تولید می‌شود. اقتصاد اسلامی به همراه نظام ارزشی اسلام به‌طور نسبی در وضعیت بهتری در برخورد با آلودگی ناشی از تولید قرار دارد. کارفرمایان مسلمان، ملهم از روحیهٔ اخوت و نوع‌دوستی، تصمیم‌های تولیدی خود را بر اساس شاخص کوتاه‌بینانهٔ سود فردی اتخاذ نمی‌کنند. در مقابل، تصمیم‌گیری اقتصادی آن‌ها بر اساس شاخص گسترده‌تری که بر منافع مادی و معنوی مشتمل است، شکل می‌گیرد. در سایهٔ راهنمایی این شاخص، تولیدکنندگان، هزینهٔ آلودگی ناشی از تصمیم‌های تولیدی خود را درونی می‌کنند؛ در نتیجه، از حجم آلودگی و خامت مشکل زیست محیطی کاسته می‌شود. به منظور روشن شدن بحث، مثال ساده‌ای از کالای آلوده‌کنندهٔ X را که در بازار رقابتی تولید می‌شود، مطرح می‌کنیم.

هر بنگاه تولیدی وقتی در تعادل است که:

$$MC_x = P_x$$

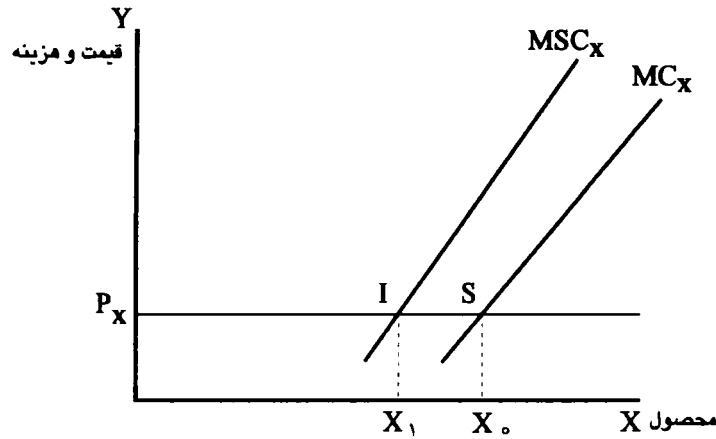
به‌طوری‌که  $MC_x$ ، هزینهٔ نهایی (خصوصی) تولید است. حال فرض کنید که هر واحد از X مقدار مشخصی آلودگی ایجاد می‌کند. فردی که امور نظارت بر عهده او است، ارزش این آلودگی تولید شده به‌وسیلهٔ هر واحد X را که هزینهٔ نهایی خارجی\* (MEC) نامیده می‌شود، برآورد کرده است؛ بنابراین، سنجشی از هزینهٔ نهایی اجتماعی\*\* (MSC) با افزودن MEC به  $MC_x$  به‌دست

\*. Marginal External Cost (MEC).

\*\* Marginal Social Cost (MSC).

$$MSC_x = MC_x + MEC_x$$

می آید؛ یعنی:



در این حالت، بین هزینه اجتماعی و هزینه خصوصی تولید تفاوت وجود دارد؛ از این رو نیروهای بازار رقابتی نخواهند توانست تخصیص بهینه منابع را از دیدگاه اجتماعی تشخیص دهند. برای چنین تخصیصی از منابع، هر بنگاه ملزم است تا سطحی تولید کند که در آن:

$$P_x = MSC_x$$

چارچوب اقتصاد اسلامی، هر کارفرما را وادار می‌دارد تا هزینه نهایی اجتماعی را با قیمت بازار برابر کند. به منظور انجام مقایسه بین گزینه‌های احتمالی کارفرمایان مسلمان و مادیگرا، از نمودار بالا استفاده می‌کنند.

طبق نمودار پیشین، منحنی  $MSC_x$  به مقداری برابر با ارزش  $MEC$  که از سطح تولید مستقل فرض شده است، بالای منحنی  $MC_x$  قرار می‌گیرد. کارفرمای مادیگرا، نقطه  $S$  را روی منحنی  $MC_x$  انتخاب، و مقدار  $X_0$  از  $X$  را تولید می‌کند. از سوی دیگر، کارفرمای مسلمان، با انتخاب نقطه بهینه  $I$  روی منحنی  $MSC_x$ ، مقدار  $X_1$  از  $X$  را تولید می‌کند. از آنجا که  $X_1$  در سمت چپ  $X_0$  قرار دارد، میزان کم‌تری از  $X$  به وسیله کارفرمای مسلمان تولید می‌شود.

تحلیل پیشگفته به روشنی نشان می‌دهد مشکل آلودگی که به واسطه پیامدهای خارجی پدید آمده، در اقتصاد اسلامی در مقایسه با اقتصادی مادیگرا، وخامت کم‌تری خواهد داشت. در عین حال، اگر فعالیت‌های داوطلبانه بخش خصوصی برای مقابله با معضل آلودگی کافی نباشد، دولت اسلامی به منظور اصلاح وضعیت، دخالت می‌کند.

## ۲-۴. دولت اسلامی و محیط زیست

هدف اساسی دولت اسلامی در بخش محیط زیست، تأمین پایداری و استفاده عادلانه و کارآمد از منابع طبیعی است. بدین منظور، دولت اسلامی، اقدامات متفاوتی را در چهار زمینه اصلی برنامه‌ریزی، قانونگذاری، نظارت و مالکیت عمومی منابع به عهده می‌گیرد. تاریخ اسلام نشان می‌دهد که دولت اسلامی، اقدامات معینی را در این زمینه‌ها در طول دوران حیات پیامبر و خلفای او و نیز در قرون وسطا انجام داده است. ارائه گزارشی تفصیلی از اقدامات دولت اسلامی، از حوصله این مقاله خارج است. با این حال، شرح کوتاهی را در ذیل می‌آوریم:

### برنامه‌ریزی

اقتصاد اسلامی به علت وجود دو نقص مهم نمی‌تواند تمام وظایف مدیریت زیست محیطی را به نظام بازار واگذارد: نخست این که - همان‌گونه که پیش‌تر بحث شد - عامل‌های اقتصادی، هزینه اجتماعی آلودگی را هنگام اتخاذ تصمیم‌های تولیدی در نظر نمی‌گیرند. دیگر این که، این عامل‌ها دارای افق برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت هستند. کوشش آن‌ها در جهت حداکثر کردن سود در کوتاه‌مدت به مصرف بیش از حد و نابودی منابع طبیعی می‌انجامد. در نتیجه، نسل‌های آینده متحمل زیان ناشی از فعالیت آن‌ها می‌شوند که این امر، برخلاف روحیه عدالت بین نسلی است. تاریخ اسلام خاطر نشان می‌کند که خلیفه دوم (عمر) توزیع زمین‌های فتح شده سرزمین عراق را بین لشکریان اسلام بر این اساس که نسل‌های آینده نیز در این زمین‌ها سهیم هستند، نپذیرفت.<sup>۴۹</sup> به واسطه وجود نقایص ذکر شده، دولت اسلامی نمی‌تواند به نظام بدون هدایت بازار به منظور تخصیص منابع در بخش محیط زیست تکیه کند؛ بدین جهت، دولت اسلامی برنامه حفاظت محیط زیست را طراحی می‌کند که تقاضای بلندمدت این بخش را بر اساس اصل پایداری فراهم می‌سازد. برنامه مزبور بر دو نوع برآورد مبتنی است: حداکثر مقدار پایدار منابع طبیعی و حداکثر مقدار قابل تحمل زواید و آلودگی. این برآوردها به مثابه پارامترهای کلان اقتصادی به کار گرفته می‌شوند. دولت، عملکرد نیروهای بازار را درون حدود تعریف شده به وسیله این پارامترها مجاز می‌شمارد. جالب است که این رویکرد از رویکرد غیردینی معاصر که در کشورهای غربی پذیرفته شده و بر کارایی اقتصاد خرد در بخش محیط زیست از طریق نظام بازار هدایت نشده تکیه دارد، متفاوت است.

### قانونگذاری

قوانین اسلامی مرتبط با محیط زیست در ادبیات فقه تدوین شده است. دین اسلام به دولت



اجازه می‌دهد تا قوانین زیست محیطی را وضع کند تا به‌طور مؤثری با مشکل چند جانبه آلودگی به مقابله برخیزد. قاعده «لاضرر» به دولت اجازه می‌دهد که اقداماتی را بر ضد هر صنعتی که باعث ایجاد مخاطرات زیست محیطی بیش از اندازه می‌شود، اتخاذ کند. این کار از طریق جلوگیری از ادامه فعالیت صنعت یا کم کردن میزان تولید آن به وسیله وضع مالیات یا اعمال سهمیه‌بندی امکان پذیر است؛ گرچه این اقدام‌ها باعث تحمیل ضرر و زیان اقتصادی به صاحبان فعالیت شود.<sup>۵۰</sup>

قوانین اسلامی درباره زمین‌های لم یزرع و بایر بدون مالک ایجاب می‌کند تا این زمین‌ها زیر کشت قرار گیرند. در این زمینه، پیامبر ﷺ قانون ذیل را مقرر فرمود:

کسی که زمین لم یزرعی را احیا کند، برای آن چه احیا کرده، دارای حق است.<sup>۵۱</sup>

همچنین قوانین کاملی در زمینه استفاده از آب به منظور آشامیدن و آبیاری در ادبیات فقه موجود است.

قوانین اسلام، توسعه جنگل‌کاری را تشویق، و از تخریب جنگل و جنگل‌زدایی جلوگیری می‌کند. پیامبر، از قطع درختان در صحرا منع فرمود. اصل متضمن این ممانعت را می‌توان در موارد مرتبط با حفظ امنیت زیستگاه‌های عمومی نیز تعمیم داد. حضرت قانونی را بنا نهاد که بر اساس آن، جنگل و حیات وحش، کالاهای رایگان هستند که باید به صورت امانت در دست جامعه نگه‌داری شوند و مناطق حریم شهرهای مکه، مدینه و طایف را تعیین و مقرر فرمود که درختان بومی را قطع نکنند. احکام اسلام از حیات وحش نیز حفاظت می‌کند. احکام اسلامی، ایجاد جنگ بین حیوانات و پرندگان و کشتن آن‌ها برای سرگرمی را منع کرده است.

دو ویژگی کلی قوانین اسلام، به قدری مهم هستند که لازم است در این جا به آن‌ها اشاره شود. اولی، کاربرد بالتسویه قوانین است که مجالی برای هر نوع رفتار تبعیض آمیز در اجرای قوانین را به کسی نمی‌دهد.<sup>۵۲</sup> دوم، ماهیت اخلاقی حاکم است؛ به همین علت، احتمال بیش‌تری برای پیروی از آن‌ها وجود دارد. این ویژگی، به خصوص برای قوانین زیست محیطی مناسب است؛ زیرا تعیین منشأ اصلی در آثار نهایی آلودگی‌های زیست محیطی مشکل است.

### کنترل و نظارت

دولت اسلامی می‌تواند مؤسسه کنترل و نظارت بر محیط زیست ایجاد کند که بر اجرای سیاست‌های زیست محیطی نظارت داشته باشد. از دیدگاه تاریخی، این نقش به وسیله نهاد

«حسبیه»<sup>\*</sup> اجرا می‌شد. این نهاد، انجام کامل فعالیت‌های شهرداری از قبیل گردآوری زباله، آبرسانی و اجرای قوانین مرتبط با آلودگی‌های زیست محیطی را به عهده داشت. احیای این نهاد به صورت مؤسسه نظارتی در کشورهای اسلامی معاصر، به منظور حفظ محیط زیست بسیار سودمند خواهد بود.

#### ۳-۴. مالکیت عمومی منابع

دولت اسلامی، مسؤول حفظ، نگهداری و استفاده از زمین‌های دولتی، اوقاف و زمین‌های بدون مالک و عمومی است. دولت، سرزمین‌های مناسب را به منظور توسعه جنگل‌ها و حفظ حیات وحش در نظر می‌گیرد. همچنین مالک عناصر کلیدی و زیربنایی مانند جاده‌ها، بندرها، شبکه آبرسانی، پارک‌ها، باغ‌ها، و آبراه‌های عمومی است. دولت مراقبت می‌کند که از این منابع به طور مناسب استفاده شود تا نیازهای نسل حاضر و نسل‌های آینده از آن برآورده شود. همچنین دولت اسلامی می‌تواند کنترل بنگاه‌هایی را که حجم عظیمی از آلودگی را ایجاد می‌کنند، به سبب حفظ سلامت و امنیت محیط زیست بر عهده بگیرد.

در گذشته، نهاد وقف، نقشی حیاتی را در ارتقای رفاه عمومی به عهده داشت. این سنت می‌تواند دوباره فعال، و سرزمین‌های متعلق به آن برای جنگل‌کاری، مدیریت توزیع آب و حفاظت حیات وحش به کار گرفته شود. شواهد نشان می‌دهند که این نهاد هنوز با میزان قابل توجهی از زمین در بسیاری از کشورهای اسلامی وجود دارد.<sup>۵۳</sup>

#### ۵. پیامدهای سیاستی

رویکرد اسلامی، پیامدهای سیاستی حیاتی را برای هر دولت اسلامی در عصر حاضر در بردارد. دولت، سیاست زیست محیطی را طراحی می‌کند که جهت‌گیری کلی آن، ایجاد شرایط مناسب برای ادامه حیات زندگی اجتماعی اسلام است. این نوع زندگی برای برقراری رفتاری دوستانه با محیط زیست اهمیتی حیاتی دارد.

این رویکرد، متضمن ملاک‌هایی قطعی جهت اجرا به وسیله دولت اسلامی است که عبارتند از: ایجاد شاخص‌های منابع اکولوژیکی، طراحی نظام انگیزشی، نظارت بر مقررات زیست محیطی و گسترش منابع اکولوژیکی در بخش عمومی.

دولت اسلامی با داشتن نگرشی بلندمدت درباره نیروهای عرضه و تقاضا، پارامترهای منابع

\*. hisbah.

اکولوژیک را در سطح کلان تنظیم خواهد کرد. دولت در این زمینه، دو نوع برآورد را تدارک می‌بیند: حداکثر میزان پایدار این منابع و حداکثر میزان قابل تحمل آلودگی و زواید؛ در نتیجه، این برآوردها به مثابه پارامترهای کلان اقتصادی به کار می‌روند و سازوکار بازار، اجازه خواهد داشت تا در محدوده آن‌ها عمل کند.

دولت اسلامی، نظام انگیزشی مناسبی را طراحی می‌کند. مقررات دولت، مجازات‌ها و پاداش‌هایی را به منظور شکل دادن رفتار افراد و بنگاه‌ها ارائه می‌کنند. در بعضی موارد، دولت با تعطیل کردن بنگاه آلوده‌کننده، حداکثر مجازات را به کار می‌گیرد؛ در حالی که در موارد دیگر، مالیات‌هایی را وضع می‌کند. با وضع «مالیات بر انتشار آلودگی»، دولت به منظور کاهش میزان آلودگی انگیزه‌ای اقتصادی برای آلوده‌کنندگان ارائه می‌کند.

دولت اسلامی مؤسسه کنترل و نظارت را برای نظارت بر اجرای قوانین زیست محیطی پدید می‌آورد. این مؤسسه نقش گسترده‌تری در مقایسه با نهاد «حسبه» در زمان حاضر ایفا می‌کند. و اصلاحاتی را در قوانین زیست محیطی در پرتو واقعیات جدید پیشنهاد می‌دهد.

دولت اسلامی، گسترش منابع اکولوژیکی را در بخش عمومی بر عهده می‌گیرد و بدین منظور، از زمین‌های دولتی بهره می‌برد. همچنین احیای نهاد وقف، کوشش‌های بخش عمومی را به منظور توسعه منابع اکولوژیکی تقویت می‌کند.

## ۶. ملاحظات پایانی

این مقاله به بررسی مسأله توازن زیست محیطی در اقتصاد اسلامی می‌پردازد. بدین منظور، رویکرد خود را که بر دو نهاد اصلی مبتنی است، ارائه می‌دهد: روش اسلامی زندگی و دولت اسلامی. مقاله در این زمینه ادعا کرده است که آن دو به طور معناداری در ابقای توازن زیست محیطی سهیم بوده‌اند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که زندگی اسلامی برای حفاظت و ارتقای منابع اکولوژیکی اهمیتی حیاتی دارند؛ به ویژه مقاله، سه جنبه از این زندگی را معرفی می‌کند که عبارتند از: آگاهی زیست محیطی، ساده‌زیستی و حس نوع دوستی، که همگی آن‌ها بر محیط زیست تأثیری فوق‌العاده دارند. مقاله در توضیح نقش آگاهی، نتیجه می‌گیرد که آموزه‌های اسلام، آگاهی زیست محیطی مردم را گسترش می‌دهد؛ به طوری که آن‌ها را توانا می‌سازد با طبیعت و محیط زیست رابطه‌ای دوستانه برقرار کنند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که جامعه صدر اسلام، چنین ارتباطی داشته است.

مقاله درمی‌یابد که سبک زندگی بی‌پیرایه و ساده برای امنیت زیست محیطی بسیار مفید است. این زندگی به حفظ منابع اکولوژیکی و پس‌انداز منابع مالی در جهت دفع فصولات و نظام مدیریت آلودگی کمک می‌کند. افرادی نیز که از روحیه حس نوع دوستی سرشار هستند، هزینه اجتماعی آلودگی را درونی می‌کنند که میزان آلودگی در جامعه را کاهش می‌دهد.

مقاله، نقشی فعال را برای دولت اسلامی مقرر می‌کند و در این جهت، از نقش دولت در برنامه‌ریزی، قانونگذاری، کنترل و توسعه منابع بحث می‌شود. برای اثبات نقش قانونگذاری، مقاله مدعی است که احکام و قوانین اسلام، به مشکل آلودگی در انواع گوناگون حالات ممکن به‌طور مؤثری توجه می‌کند. افزون بر این، قوانین دارای حمایت‌های اخلاقی قوی هستند و بر این اساس است که با احتمال فراوان، به‌طور مناسبی اجرا می‌شوند.

مقاله پیشنهاد می‌کند که یک مؤسسه کنترل و نظارت برای محیط زیست شکل گیرد و نهادهای «حسبه» و اوقاف در جوامع مسلمان معاصر احیا شوند. این نهادها می‌توانند نقش مهمی را در توسعه منابع زیست محیطی برای کنترل آلودگی ایفا کنند و سرانجام، به این نتیجه رسیده که احیای سبک زندگی اسلامی و دولت اسلامی، دو ابزاری هستند که از طریق آن‌ها، توازن زیست محیطی می‌تواند طی زمان پایدار و باقی بماند.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. اکبر، خالد فاروق (م ۱۹۹۲)، ص ۲۳ - ۲۹.
۲. چیرا، م. عمر (۱۹۹۲)، ص ۷.
۳. نصر، س. ح. (۱۹۹۰)، ص ۳۲ - ۵۱.
۴. حسینی، س. و احمد (۱۹۸۰)، ص ۱ - ۱۵، ۱۴۴ و ۱۴۵.
۵. عثمان عبدالرحمن لیولین (۱۹۸۴)، ص ۲۵ - ۴۹.
۶. در این زمینه حجم قابل توجهی از ادبیات موضوع وجود دارد که خلاصه‌ای جالب در این زمینه، در دو مأخذ ذیل موجود است: *گزارش توسعه جهانی*، سال ۱۹۹۲، ص ۱ - ۲۰؛ *مجله تایم*، ۲ ژوئن ۱۹۸۹.
۷. انحرافات بازار، نمود خارجی زندگی مادی است.
۸. اکونومیست، ۲۰ نوامبر ۱۹۹۳، ص ۱۷ و ۱۸ و ۷۵.
۹. ر. سوارپ، و دیگران (م ۱۹۹۹)، ص ۳۶۰.
۱۰. احقاف (۴۶): ۳.
۱۱. مودودی، ابوالعلاء: *تفهیم در قرآن*، ج ۵، ص ۲۱۵.

۱۲. تفسیر عثمانی، ص ۶۸۹

۱۳. قمر، (۵۴): ۴۹.

۱۴. سیدقطب: تفسیر اردو زیان، ج ۹، ص ۵۷۶-۵۸۵.

۱۵. حجر (۱۵): ۱۹ و ۲۰.

۱۶. علی، عبدالله یوسف، ص ۶۴۰ وی در تفسیر آیات پیشگفته، مطلب مهمتی را یادآور می‌شود او می‌نویسد:

هر چیزی که در زمین به‌وجود آمده، دارای توازن و اندازه است. نباتات از مواد معدنی، تغذیه می‌کنند و آن‌ها نیز به حیوانات غذا می‌رسانند و بدین ترتیب ارتباط وابسته متقابلی بین آن‌ها وجود دارد. مازاد وجودآمده رفع می‌شود و باقیمانده یکی، غذای دیگری می‌شود و بالعکس. این امر، چرخه نامتناهی از تغییر تدریجی بوده، لازم و ملزوم یکدیگر است...

۱۷. اَلْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز، دین شما را به حد کمال رساندم و

بر شما نعمت را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام باشد، برایتان برگزیدم. مانده (۵): ۳.

به‌منظور مشاهده و بررسی نظر فرهنگ و تمدن اسلامی، ر.ک: عبدالقدوس: **الگوی فرهنگ پاکستان**، سیدابوالعلاء

مودودی: **نظام زندگی در اسلام و تهذیب اسلامی**.

۱۸. همه ما به مهربانی با دیگران و والدین توصیه شده‌ایم: مادر، کودک را با مشقت بسیار حمل و با سختی زایمان

می‌کند. کودک برای شیرخوردن، به مدت ۳۰ ماه تحت مراقبت مادر قرار می‌گیرد. او بزرگ می‌شود تا به توانایی لازم

می‌رسد و وقتی به ۴۰ سالگی رسید، می‌گوید: رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ

صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي دَرْيَتِي إِنِّي تَبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ خدا یا مرا بر نعمتی که به من و پدر و مادر من

عطا فرمودی، شکر بیاموز و با کار شایسته‌ای که رضا و خشنودی تو در آن است، موفق بدار و فرزندان مرا صالح

گردان. بارالها! به درگاه تو با دعا باز آمده‌ام و از تسلیمان فرمان تو شدم. احقاف (۴۶): ۱۵.

۱۹. ر.ک: بقره (۲): ۳۰؛ انعام (۶): ۱۶۵ و فاطر (۳۵): ۳۹.

۲۰. پیامبر ﷺ فرموده است: «تمام موجودات بشری به خدا وابسته‌اند و عزیزترین ایشان نزد خداوند کسی است که

در این باره خوب عمل کند». ر.ک: محمد بن عبدالله (۱۹۸۵)، ج ۲، ص ۶۱۳

۲۱. حدید (۵۷): ۷.

۲۲. ر.ک: زلزال (۹۹): ۷ و ۸؛ جائیه (۴۵): ۱۵ و نجم (۵۳): ۳۱.

۲۳. احمد بن حنبل: **مسند احمد**، ج ۵، ص ۴۴۲.

۲۴. قرآن می‌فرماید: و جعلنا من الماء كل شيء حي؛ خداوند، از آب، هر چیز زنده‌ای را حیات بخشیده است. انبیاء (۲۱):

۳۰. همچنین می‌فرماید: ... والله خلق كل دابة من ماء؛ خداوند هر حیوان و موجودی را از آب آفرید. نور (۲۴): ۴۵.

۲۵. سنن ابن مجاح.

۲۶. محمد بن عبدالله تبریزی (۱۹۸۵)، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲۷. ر.ک: روم (۳۰): ۴۶ و یس (۳۶): ۴۲.

۲۸. محمد بن عبدالله تبریزی (۱۹۸۵)، ج ۲، ص ۴۴۲.

۲۹. جلال الدین سیوطی، ص ۹۷.

۳۰. انعام (۶): ۱۴۱.

۳۱. محمد بن اسماعیل بخاری: **صحیح بخاری**، ج ۴، ص ۱۸۶۷.

۳۲. حاجی معین الدین نوید.

۳۳. ابونعیم اصفهانی (۱۹۸۷)، ج ۷، ص ۱۲۶.
۳۴. گلپو، پ.ر.پ. و مک کلور، جی (۱۹۹۳)، ص ۵۹۵-۶۰۸.
۳۵. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۰۰۶.
۳۶. ر.ک: اعراف (۷): ۳۱ و اسراء (۱۷): ۲۶.
۳۷. اسراء (۱۷): ۲۹. این آیه قرآن سفارش می‌کند که فرد معتقد باید به وجود توازن بین توانایی‌های خود برای مصرف و نیازمندی‌های دیگران توجه داشته باشد.
۳۸. حج و زکات از جمله وظایف واجب افرادی است که مکنت و دارایی دارند. صدقات، پاداش بسیاری دارد. ر.ک: بقره (۲): ۲۶۱. برای مشاهده جزئیات بیشتر، ر.ک: مولانا اشرف علی (۱۹۸۶)، ص ۱-۹۳.
۳۹. بر این اساس، فهیم‌خان نتیجه می‌گیرد: مصرف مسلمانان، احتمالاً با سبب مصرفی کوچک‌تری در مقایسه با وضعی که مصرف‌کننده مادی‌گرا دارد مواجه است. ر.ک: فهیم‌خان (۱۹۸۴)، ص ۱-۲۴.
۴۰. مطابق نص قرآن، مؤمنان تن واحد هستند: حجرات (۴۹): ۱۰.
۴۱. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۸۶۳.
۴۲. همان، ج ۱، ص ۱۴.
۴۳. همان، ج ۵، ص ۵.
۴۴. هاشمی (۱۹۹۱).
۴۵. ر.ک: بقره (۲۹): ۲۱۵؛ نساء (۴): ۳۶.
۴۶. طبری (۱۹۸۴)، ج ۲، ص ۴۳ و ۴۴.
۴۷. بیهقی (۱۹۹۰)، ج ۳، ص ۲۵۹.
۴۸. این نکته به طور مستدل‌تری در جای دیگری بحث شده است. ر.ک: ریحان شریف (۱۹۹۱)، ص ۱-۳۰.
۴۹. شبیلی نمانی (۱۹۵۷)، ص ۴۶.
۵۰. حسینی، س. و الف (۱۹۸۰)، ص ۸۰.
۵۱. بلوچ، (۱۹۸۹)، ص ۶۶.
۵۲. زندگانی پیامبر ﷺ مملو از مواردی است که به عدالت رفتار می‌کرد: زنی با نفوذ از قبیله قریش در سرقتی دست داشت. پیامبر ﷺ تقاضای یکی از اصحاب را در عفو آن زن با بیان این جمله رد کرد: «اگر دختر محمد نیز مرتکب چنین جرمی شده بود، او نیز باید به‌طور مشابهی تأدیب و مجازات می‌شد». (صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۴۹۱)
53. Islahi Abdul Azim (1992).
۱. اصلاحی، عبدالعظیم (۱۹۹۲).